متن حدیث

- متن حدیث
- کلام استاد
- دو روایت دیگر

متن حدیث

> أخبرنا محمد بن همام و محمد بن الحسن بن محمد بن جمهور جميعا عن الحسن بن محمد بن جمهور قال حدثنا أبي عن بعض رجاله عن المفضل بن عمر قال أبو عبد الله ع خبر تدريه خير من عشر ترويه إن لكل حق حقيقة و لكل صواب نورا ثم قال إنا و الله لا نعد الرجل من شيعتنا فقيها حتى يلحن له فيعرف اللحن إن أمير المؤمنين ع قال على منبر الكوفة إن من ورائكم فتنا مظلمة عمياء منكسفة لا ينجو منها إلا النومة[1] قيل يا أمير المؤمنين و ما النومة قال الذي يعرف الناس و لا يعرفونه و اعلموا أن الأرض لا تخلو من حجة لله عز و جل و لكن الله سيعمي خلقه عنها بظلمهم و جورهم[2] و إسرافهم على أنفسهم و لو خلت الأرض ساعة واحدة من حجة لله لساخت بأهلها و لكن الحجة يعرف الناس و لا يعرفونه- كما كان يوسف يعرف الناس و هم له منكرون ثم تلا يا حسرة على العباد ما يأتيهم من رسول إلا كانوا به يستهزؤن[3] [4]

بیان علامه مجلسی

بيان: قوله ع حتى يلحن له أي يتكلم معه بالرمز و الإيماء و التعريض على جهة التقية و المصلحة فيفهم المراد قال الجزري يقال لحنت فلانا إذا قلت له قولا يفهمه و يخفى على غيره لأنك تميله بالتورية عن الواضح المفهوم و قال في حديث علي و ذكر آخر الزمان و الفتن ثم قال خير أهل ذلك الزمان كل مؤمن نومة النومة بوزن الهمزة الخامل الذكر الذي لا يؤبه له و قيل الغامض في الناس الذي لا يعرف الشر و أهله و قيل النومة بالتحريك الكثير النوم فأما الخامل الذي لا يؤبه له فهو بالتسكين و من الأول?[5]

کلام کاشف الغطاء

المطلب السابع فيما ادخلوه في القياس

و ليس منه و قد نسبوا المجتهدين الى العمل بالقياس مع انّهم (رضوان اللّه عليهم) اجمعوا على عدم جواز العمل به و عرف ما بينهم انه ليس من دين الاماميّة حتّى انهم هجروا قائل من صدرت منه بعض عبادات تؤذن بعملهم به و السّبب في ذلك انّهم قاصرون عن الوصول الى ما وصل اليه المجتهدون حيث انّهم لا يفهمون سوى المنطيق؟؟؟ و لم يعلموا انّ المدار؟؟؟

الخطابات في جميع اللّغات على ما يفهم من العبادات و منها تصريحات و تعريضات و تلويحات و رموز و اشارات و تنبيهات و ما يفهم من جميع الكلمات في شرعيّات في مخاطبات او مكاتبات او وصايا او؟؟؟ مستحلّات لانّهم ما يدققوا النظر و لم يعرفوا سوى ظ الخبر و لم ينظروا في جملة الاخبار فيستفيد؟؟؟ وامق

مجموعها حكما لم يكن مستفادا من آحادها فحال المجتهدين كحال خادم توجه خدمة السّلطان مع القرب منه و الاطلاع على باطن احواله و العلم بكيفيّة خطاباته فضرب مقاصده و ارادته فاذا تكثرت منه الخطابات؟؟؟

معاني خفيات و ان لم يعلم من آحادها حتى انه ربما فهم شيء من المجموع لا يسعه بيانه و لاجل ذلك قيل قد يتولد في ذهن المجتهد حكم لا يسعه بيانه و حال الاخباريّين كحال خادم لا يدخل الدّار و انما يسمع كلام السّلطان من وراء الجدار فهو من الدمّار و لم يحط خبرا بقرائن الاحوال فهذا لا يجوز له العمل الّا بعد الرّجوع الى من هو بمنزلة الشّعّار و هؤلاء لما قصروا عن الوصول الى ما وصل اليه العلماء الفحول زعموا انه لا طريق الى الوصول الى مرادا لائمة الهدى سوى بالعبادات و؟؟؟ بنوا ما عدا ذلك الى القياس من جهة ذلك توصّلوا مع شاذ من اصحابنا الى انكار ما لا يمكن انكاره و ادخلوه في القياس كمنصوص العلّة مع ان جمع اهل اللغات العربيّة و غيرهم و اهل العرف باقسامهم يفهمون التعميم في حكم العلّة كتنقيح المناط مع انا نريد به ما يحصل به القطع في تسرية الحكم فمن انكره فقد انكر حكم الشرع و رد على المشرّع[6]

---

[1] (٢). في النهاية في مادة« نوم» و في حديث علي عليه السلام« انه ذكر آخر الزمان و الفتن- ثم قال:« خير أهل ذلك الزمان كل مؤمن نومة»- بوزن الهمزة-: الخامل- الذكر الذي لا يؤبه له، و قيل: الغامض في النّاس الذي لا يعرف الشر و أهله، و قيل:

النومة- بالتحريك-: الكثير النوم و امّا الخامل الذي لا يؤبه له فهو بالتسكين، و من الأول حديث ابن عباس انه قال لعلي: ما النومة؟ قال: الذي يسكت في الفتنة فلا يبدو منه شيء».

[2] (٣). في بعض النسخ« و جهلهم».

[3] (١). سورة يس: ٣٠.

[4] الغيبة للنعماني ؛ النص ؛ ص١٤١-١٤٢

[5] بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج٥١، ص: ١١٣

[6] رساله الحق المبین، ص ۵۹-۶۰ (سایت کتابخانه فقه شیعه)

کلام استاد

> **واللّه انا لا نعد رجلا من شیعتنا فقیها حتی یلحن له فیعرف اللحن.[1]**

زیر یعرف خط بکشید. واللّه مردی از شیعیان خودمان را فقیه نمیدانیم تا یلحن له. یعنی اگر مطلب غلط به او بگویی سریع می فهمد که غلط است. لحن به معنای غلط است. در بحث لغوی لحن یکی از لغات بسیار زیباست؛ لحن به معنای چیز لطیف، تعریض، مطلبی را به زبان دیگر گفتن، با اشاره و کنایه گفتن، و لتعرفنّهم فی لحن القول، همین که حرف میزنند میفهمد کار و تشکیلاتش چیست؛ از کجا؟ نگفته است که، چرا.کلام یک دلالت مطابقی روشنی دارد که صغیر و کبیر میفهمند اما هر جمله ای یک لحن القولی دارد که این لحن القول لا نعد الرجل من شیعتنا فقیه حتی یلحن له و یعرف له،

لحن القول

یلحن چه میشود؟ یعنی به تعبیر حاج آقا و صاحب جواهر گاهی یک روایت به گونه ای تاکید میکند که گویی بالاترین درجه وجوب را بیان میکند اما فقیه از لحن امام میفهمد که واجب نیست.

در جواهر

برای مثال صاحب حدائق مفصل بحث کرده اند همان گونه که در تشهد ،صلوات بر نبی اکرم(صلی اللّه علیه و آله) واجب است همان طور هرگاه اسم مبارک حضرت در هر کدام از احوال غیر نماز هم برده شود صلوات فرستادن واجب است. صاحب حدائق بحث را تمام کرده است و گفته واجب است؛ادله زیادی آورده اما صاحب جواهر میفرمایند:

فلا حاجه کذا و من الغریب ان المحدث البحرانی ... و البعض النصوص المدعی دلالتها علی الوجوب هی نفسها مشعره بالندب؛

. میگویند واجب است شما می گویی خود همان نص را لااقل تاویل کنید و با آن در بیفتید بگویی معارض دارد خود همینی که وجوب است... نکته خیلی مهم است زمانی میگویی ظاهرش وجوب است اما معارض دارد آن فضای دیگری است اما ایشان میفرمایند خود همین نصی که شما میگویی وجوب است خودش دارد میگوید ندب. آن چیست؟ فضالً عن القرینه الخارجیه که روایت دیگریست. «**کما لا یخفی علی من رزقه اللّه معرفه لسان شرع و رموزه التی اشارالیها بقوله علیه السلام انا لا نعد الرجل من شیعتنا فقیه حتی یلحن له فیعرف له.**»

صاحب جواهر در اینجا لحن را به معنای غلط نگرفتند. حتی یلحن له فیعرف له یعنی لسان را خیلی بردن بالا که بعضی از آن را هم میگویند

و لعل منه قوله صل الله علیه و آله وسلم ههنا فی الخبر المروی عن معانی الاخبار البخیل حقا ًمن ذکرت ُعنده فلم یصل ّعلی ّبخیل حق بخیل و قوله فی المروی عن الارشاد البخیل کل البخیل من الذی اذا ذکرت ُعنده لم یصل علی. اجفی الناس رجل ذکرت بین یدیه فلم یصل علی.ّ

میخواستند بگویند لحن رواست. لحن رواست مشعر به این است... گاهی امام آنقدر در عقوبت تاکید میکنند که مجتهد میفهمد این مکروه است؛ از نحوه تاکید، کراهت را کشف میکند. چطور؟ مثل ما نمیتوانیم اما اصل اینکه این بزرگان این را میگویند نمیتوانیم انکار کنیم .

در کلام کاشف الغطاء

از کتاب الحق المبین فی تصویب رای المجتهدین کاشف الغطا نقل کردند:

المطلب السابع فیما ادخلوه فی القیاس و لیس منه و قد نسبوا المجتهدین الی العمل بالقیاس مع انهم رضوان الله علیهم اجمعوا علی عدم جواز العمل به و عرف ما بینهم انه لیس من دین الامامیه حتی انهم هجروا اقوال من صدرت منه بعض العبارات توذن بعملها. ابن جنید که بحث هایش قبلا مفصل شد. و السبب فی ذلک انهم قاصرون عن الوصول الی ما وصل الیه المجتهدون حیث انهم لا یفهمون سوی المنطاق و لم یعلموا انّ المدار فی فهم الخطابات فی جمیع اللغات علی ما یفهم من العبارات و منها تصریحات و تعریضات و تلویحات و رموز و اشارات و تنبیهات و ما یفهم من جمیع الکلمات فی شرعیات فی مخاطبات، مکاتبات، وصایا، سجلات. لانهم لم یدققوا النظر و لم یعرفوا سوی ظاهر الخبر و لم ینظروا فی جمله الاخبار و یستفیدوا من مجموعها حکما لم یکن مستفاد ًمن آحادها. فحال المجتهدین کحال خادم

مثالی هم میزنند که حال مجتهدین حال خادم پادشاهی است که در اندرون پیش او دارد مرتب کار میکند و حال الاخباریین، آن زمان هم قضیه اخبار داغ بوده است...

و العلم کحال خادم توجّه الی خدمه السلطان مع القرب منه و الاطلاع علی باطن احواله و العلم بکیفیه خطاباته و ضروب مقاصده و ارادته فاذا تکثّرت من الخطابات ولد من مجموعها معانی خفیهٌ. قبلا در مورد ارتکاز و نظام فکریی که یک فقیه از تمام دین میگیرد بحث کردم ؛ اینها کانه خیلی شاهد خوبیست برای آن حرفها.**و ان لم یعلم من آحادها حتی انه ربما فهم شیئا من المجموع لا یسعه بیانه.**لا یسعه بیانه. البته تاکید من در لا یسعه بیشتر روی ضمیر وه است. وه مال این است که فضای بحث و زبان خارجی ندارد خود زبان گرفتن در فضا خیلی مهم است. وقتی مقدمات بحثی زبان میگیرد و حرفهایش زده می شود بعدا مطالب به راحتی بین دو اهل محاوره منتقل می شود.

شاگرد: اصطلاح سازی ها و کاربندی ها؟

استاد: بله، حتی اهل زبان شناسی نظر عجیبی دارند که اگر زبان نبود حتی مفاهیم هم نداشتیم البته این حرف درستی نیست و مفصل در مباحثه بحث کردیم ولی آنها میگویند که اگر زبان نبود مفاهیم هم ممتاز نبود؛ تا این اندازه که زبان گرفتن مهم است لذا لا یسعه یعنی در فضایی که فعلا مخاطبین آن همین ها هستند والا یسعه اگر زبان بگیرد.

و لاجل ذلک قد یتولّد فی ذهن المجتهد حکم لا یسعه بیانه.

حاج آقا با آشیخ زین العابدین شوخی می‌کردند ؛ می‌فرمودند صبح از خانه تا از بازار به مدرسه بیایند آقا جیبشان را پر می‌کنند ؛ بینی و بین الله مشکلی ندارد جیبشان را پر می‌کنند. ایشان این شوخی را داشت هرچه از ایشان می‌پرسیدند می‌گفتند بینی و بین الله مانعی ندارد. این هم یک کاری است که می‌گوئید از کجا می‌گوئید؟ می‌گوئید بینی و بین الله. بیش از بینی و بین الله عبارتی ندارند.

وحال الاخباریین کحال خادم لا یدخل النار و انما یسمع کلام السلطان من وراء الجدار و هو (یعنی اخباری) من الدثار و لم یحط خُبراً بقرائن الاحوال فهذا لا یجوز له العمل الا بعد الرجوع الی من هو بمنزله الشعار. شعار مجتهد است.

---

[1] افاده شده در جلسه فقه مورخ ۲۸/ ۷/ ۱۳۹۵

دو روایت دیگر

روایت دیگر که در کشی هم آمده حضرت می‌فرمایند: اعرفوا منازل شیعتنا علی قدر روایتهم و درایتهم، سپس در دنباله روایت می‌فرمایند و انّ الا نعدّالفقیه فقیهاً حتی یکون محدّثاً. مخاطب تعجب کرد و گفت ایبن رسول الله، الفقیه محدّث؟! فرمودند: المحدث المفهّم. فهّمانه سلیمان..

شاگرد: روایت دوم آن این است؛ قالَ الصادِقُ (علیه السلام) اعْرِفُوا مَنازِلَ شيعَتِنا بِقَدْرِ ما يُحْسِنُونَ مِنْ رِوايَاتِهِمْ عَنّا، فإنّا لا نَعُدُّ الْفَقِيهَ مِنْهُمْ فَقِيهاً حَتّى يَكُونَ مُحَدِّثاً. فَقِيلَ لَهُ أَ وَ يَكُونُ الْمُؤْمِنُ مُحَدِّثاً قالَ يَكُونُ مُفَهَّماً وَ الْمُفَهَّمُ مُحَدَّثٌ.

استاد: یحسنون، احسان الروایه نه فقط نقل الروایه.

تحدیث انواعی دارد و یکی از آنها تفهیم است همانجا در آیه شریفه اوحینا الیه ندارد بلکه فهّمانها سلیمان دارد. هر کدام دو وادی است و باهم فرق می‌کنند.

تعبیر دیگر که برای فقهاء آمده این است؛ انا لا نعدّالرجل فقیها حتی یعرف معاریض کلامنا.